

ه نام خانواده



مرتضی حسنلو، بازیگر:

بدون مخاطب هنرمندی وجود نخواهد داشت

ورود به دنیای بازیگری چگونه بود؟

من بازیگری را از سال ۸۸ و با تئاتر آغاز کردم و چند سال بعدش یعنی حدود سال ۹۳ وارد موسسه کارنامه شدم و تحصیلات آکادمیک را زیر نظر اساتیدی مانند آقای فتحی، آقای فرهادی، خانم پناهی‌ها، آقای بهبودی و آقای دهکردی گذراندم. فعالیت‌های هنری‌ام در زمینه بازیگری اینگونه استارت خورد و بعد از آنکه وارد رادیو نمایش شدم با رادیو صبا و چند رادیو دیگر همکاری کردم اما تمام تلاشم این بود که خیلی از تئاتر و سینما دور نشوم. در طول این سالها در زمینه سریال، تله‌فیلم، سینمای مستند و فیلم کوتاه فعالیت کردم.

چگونه شد که نقش امیر را پذیرفتید؟

نقش امیر برای من بسیار جذاب و کارگردان هم از دوستان بسیار خوب بود. با اینکه من پیش از پیشنهاد شدن نقش در جریان فیلمنامه بودم و با کارگردان صحبت‌های زیادی در مورد فیلمنامه داشتیم و با فضای کار آشنا بودم اما یک هفته پیش از شروع فیلمبرداری‌ها نقش به من پیشنهاد شد و در آن فرصت کوتاه من سعی کردم نقش را برسانم و ما سعی کردیم فیلمبرداری‌ها را به واسطه اینکه اثر مستقل و هزینه‌ها نیز برای آقای عبداللهی بسیار مهم بود، در ۱۹ جلسه به اتمام برسانیم.

در طول فیلم فلش بک‌های زیادی به گذشته امیر و آن ترومایی که امیر با آن درگیر است، می‌خورد. پرداخت شما روی این کاراکتر چگونه بود؟

امیر گذشته‌ای داشت و من بر اساس آن گذشته سعی می‌کردم خاطراتی را برای او تعریف کنم و در مدت کوتاهی که باید روی نقش امیر پرداخت می‌کردم پادم است که حدود ۸۰ صفحه در دفتری که داشتم برای این کاراکتر نوشتم. حال یک سری کدها را از خود فیلمنامه می‌گرفتم و کدهای دیگر را نیز از طریق صحبت‌هایی که با کارگردان و نویسندگان داشتم و بخش دیگر چیزهایی بود که خودم به آن می‌افزودم. خوب زمانی که به عنوان یک بازیگر برای یک نقش برنامه‌ریزی کرده باشید، خاطرات و تروماهای کودکی را بدانی و تلاش کنی تا از لحاظ روانشناسی به نقش نزدیک شوی خیلی راحت‌تر می‌توانی آنچه را که می‌خواهی پیاده کنی. از طرفی من به واسطه محل زندگی‌ام در دوران کودکی، با کاراکترها و فضاهای اینگونه آشنایی داشتم به همین علت خیلی راحت‌تر می‌توانستم فضا و کاراکترها را درک کنم. قاعدتاً اولین کاری که یک بازیگر باید بکند در کاراکتر است حال تمام آن تروماها و اتفاقاتی که در کودکی کاراکتر بوده روی هم جمع و اتفاقات زمان حال نیز به آن افزوده می‌شود تا کاراکتر خلق شود. مغز ما انسان‌ها به شکل صفر و یک به مسائل می‌پردازد یعنی اگر چیزی را مدام برایش تکرار کنی، به مرحله‌ای می‌رسد که دیگر نمی‌تواند تشخیص بدهد که آن مسئله واقعی است یا ساخته و پرداخته خود ذهن، فرض کنید که کودکی اتفاقی را تصور می‌کند و آنقدر آن را برای خود تکرار می‌کند که با گذر زمان فراموش می‌کند که آن اتفاق را خودش تخیل کرده و ساخته است و واقعیت ندارد من هم در بازیگری از همین تکنیک استفاده می‌کنم و اینگونه بود که به کاراکتر امیر رسیدم.

ارتباط کاراکتر امیر با بقیه کاراکترهای فیلم در ابتدا بسیار خشونت‌آمیز است ولی پس از آنکه در معرض یک خانواده قرار می‌گیرد کم‌کم ویژگی‌های دیگری از او نمایان می‌شود.

از بعد تکنیکال از آنجایی که کاراکتر امیر جزو کاراکترهای محوری فیلمنامه و اولین نقش بلند من در دنیای تصویر بود، بر این چالش برانگیز بود که بتوانم این کاراکتر را به شکل جذابی پیش ببرم تا بتوانم مخاطب را با خود همراه کند و مخاطب را پس نزند. خوب من چهره نیستم و مهم است که بتوانم مخاطب را با کاراکترم همراه کنم و او را در طول فیلم با خود بکشانم. سعی کردم با یک سری رفتارهای خاصی که به امیر می‌دادم او را در ذهن مخاطب پررنگ‌تر کنم. وقتی فیلمی ساخته می‌شود مخاطب آن ارتباط بین بازیگران را نمی‌بیند بلکه فضای به وجود آمده از آن ارتباط را لمس و حس می‌کند و نقش امیر هم نقش مهمی بود و باید به ارتباطش با کاراکترهای مختلف دقت می‌شد و ارتباط او با کاراکترهای مختلف از لحاظ تکنیکال برای من مهم بود و در نهایت این مخاطب است که باید بگوید که اتمسفر بین کاراکترها در آمده یا خیر.

سخن پایانی

شاید امروز دیگر هنر آن تب و تاب گذشته را ندارد و به واسطه دغدغه‌ها و مشکلاتی که مردم دارند به حاشیه رانده شده است. اما خواهشی که من دارم این است که بیایند و با سینما تئاتر دوباره دلشان را صاف کنند چرا که اگر مخاطبی وجود نداشته باشد عملاً اتفاقی نمی‌افتد و هنرمندی وجود نخواهد داشت. دوست دارم که بیایند و از این فیلم مستقل حمایت کنند تا ما نیز بتوانیم به کارمان ادامه دهیم و اتفاقات بهتر و زیباتری را رقم بزنیم.

نمی‌دانم چه باید کرد چون در حال حاضر هم فیلمنامه‌ها برای ساخت فیلم بعدی آماده است. ولی فکر می‌کنم واقعاً اگر حمایت شویم و سینمای مستقل جان بگیرد و شروع به کار کند اتفاقات بسیار خوبی خواهد افتاد. چرا که سینمای مستقل با سینمای شخصی بخصوص آن نوع از سینما که مثلاً من برای خودم انتخاب کردم سینمایی است که مخاطب را به شدت وادار به فکر می‌کند و این اتفاق بسیار خوبی است. ولی اگر این نوع سینما حمایت نشود کار به شدت سخت‌تر خواهد شد. ما قطعاً فیلم‌های بعدی‌مان را خواهیم ساخت اما اگر تبلیغات مناسب و کافی انجام شود و مخاطب به دیدن فیلم‌های مستقل بیاید می‌توانیم در شرایط بهتری به کار ادامه بدهیم در حالی که امروز در شرایط بسیار سختی کار می‌کنیم. فکر می‌کنم تنها راه این است که به سینمای مستقل و غیر کم‌دی بها داده شود.

در زمینه جذب سرمایه‌گذار هم تلاش کردید؟

بله به شدت تلاش کردم اما از آنجایی که فیلم اولی بودیم تا حدودی بحث عدم اعتماد وجود داشت و برخی از سرمایه‌گذاران هم به خاطر تجربه‌های ناموفقی که پیش از این داشتند راغب نبودند. حتی نسبت به مراکز دولتی هم اقدام کردیم اما ظاهراً قصه مورد پسندشان نبود و حمایت نکردند. در واقع من چند سال در این راستا تلاش کردم و چون حمایتی ندیدم تصمیم گرفتم خودم انجامش بدهم. با اینکه تهیه‌کننده اصلی خودم بودم آقای محمد حسن مرتضوی در زمینه تهیه‌کنندگی با من همکاری کردند و در بخش پست‌پروداکشن، اکوران و پخش زحمتهای زیادی کشیدند و من ایشان بسیار متشکرم.

سخن پایانی

از مخاطبان خواهش می‌کنم که حتماً از سینمای مستقل حمایت کنند. ما به دلیل مستقل بودن تریبون و تبلیغات ویژه‌ای نداریم. بنابراین اگر مخاطبان کار را ببینند و دهان به دهان کار را تبلیغ کنند تا دیده شود ما هم می‌توانیم با انگیزه و دلگرمی بیشتر کارهای بعدی را انجام بدهیم و مسیر فیلم‌سازیمان تا حدی هموار می‌شود.

سایه وار زندگی می‌کنند و حال در قصه این فیلم دور هم جمع شده‌اند و انگار یک مهمانی را تشکیل داده‌اند و در واقع من اسم فیلم را از خود شخصیت‌ها گرفتم.

با توجه به اینکه فیلم مستقل بوده لاجرم در زمان کوتاه فیلمبرداری انجام شده در این پروسه با چه چالش‌هایی روبرو بودید؟

این فیلم کاملاً با بودجه شخصی و بدون اینکه حتی یک هزار تومنی از کسی کمک بگیرم و در واقع پس پول پس اندازهای خودم ساخته شده است و باقی فیلم‌هایم را نیز همین‌گونه ساخته‌ام. با اینکه فیلم‌های کوتاه‌ها در جشنواره‌های مختلف شرکت کردند و جوایز بین المللی زیادی هم گرفتم اما باز گشت سرمایه‌ای وجود نداشت. با توجه به اینکه بودجه کار هم چشمگیر نبود ما به شکل خیلی فشرده کار کردیم اما من تمام تلاشم را کردم تا یک فیلم خیلی خوب و سالم از آب در بیاید و حس خودم این است که این اتفاق افتاده است. ما کلاً ۱۹ روز فیلمبرداری کردیم، شب و روز را با هم می‌گرفتیم و عوامل استراحت بین شب و روز نداشتند. یعنی ما از ظهر استارت فیلمبرداری را می‌زدیم تا صبح فردا و بعد چهار ساعت استراحت و دوباره فیلمبرداری، اما خوشبختانه از آنجایی که بچه‌های گروه بسیار حرفه‌ای بودند و همدلانه کار کردند موفق شدیم و توانستیم در کمترین زمان ممکن فیلم را تمام کنیم.

از آنجا که در سینمای مستقل معمولاً بازگشت سرمایه نداریم کارگردان جوانی مثل شما چه برنامه‌ای برای ادامه مسیر دارد؟ احتمالاً شغل دیگری دارید که از آنجا مخارج فیلم را تأمین می‌کنید اما بدون بازگشت سرمایه، ادامه این راه چگونه ممکن است؟

بله من شغلی دارم که فعلاً مشغولش هستم. البته خیلی دوست دارم که به شکل کامل و تمام وقت مشغول سینما باشم ولی فعلاً مجبورم که برای تأمین هزینه‌ها شغل دیگری نیز داشته باشم. حقیقتاً خودم نیز